



Investigating the Effect of Gender on the Use of Hedges in Persian Novels: A Sociolinguistic Account

Ava. Imani^{1*}  **-Zahra. Khaleqi**²

1: Assistant Professor of Linguistics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Corresponding author): ava.imani@basu.ac.ir

2: M.A in Linguistics, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Abstract: Hedges are considered one of the strategies for expressing the stance and attitude of authors and are also significant as a means of representing gender-based linguistic differences in the field of sociolinguistics. This research examines the influence of "gender" on the usage of "hedges" in 12 Persian novels, from a sociolinguistic perspective. A total of 12 Persian novels were chosen randomly (6 from the period before 1979 and 6 from after, with each time frame including works from three female and three male authors). The theoretical basis of the study is derived from the hedge classifications proposed by Hyland (1996) and Varttala (2001). This study is descriptive-analytical, utilizing both qualitative and quantitative methodologies. Initially, various hedges employed in character dialogues were identified and quantified. The hedges were then sorted into six main categories: judgmental verbs, evidential verbs, modal verbs, nouns, adjectives, and adverbs. The Chi-square test was applied to analyze the gender influence on hedge usage. The analysis and frequency comparisons revealed that more than half of the hedges were used by female authors, with adverbs being the most common type across both author groups. The Chi-square test also indicated a significant difference in the usage of judgmental verbs to express doubt, with male characters using them more frequently than female characters. The results of this research can be used to explain the relationship between language, genre, and the social categories concerning authors' gender and identity. These results can also be instrumental in expanding studies on discourse analysis, genre analysis, and interdisciplinary studies of language and gender.

Keywords: gender, hedges, Persian novel, sociolinguistics.

- A. Imani; Z. Khaleqi (2025). "Investigating the Effect of Gender on the Use of Hedges in Persian Novels: A Sociolinguistic Account". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(41). 257-286.

[Doi: 10.22075/jlrs.2024.34619.2495](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34619.2495)

سال شانزدهم - شماره ۴۱ - پاییز ۱۴۰۴

صفحات ۲۸۶-۲۵۷ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۴/۲۱ بازنگری ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ پذیرش ۱۴۰۳/۰۹/۲۴

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی

آوا ایمانی^{۱*} / زهرا خالقی^۲

ava.imani@basu.ac.ir

۱: استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

۲: کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چکیده: تردیدنماها به عنوان یکی از انواع راهبردهای بیان موضع و نگرش نویسندگان و نیز یکی از امکانات بازنمایی تفاوت‌های جنسیتی زبانی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی مطرح و حائز اهمیت‌اند. هدف از پژوهش حاضر تحلیل و طبقه‌بندی «تردیدنماها» در دوازده رمان فارسی تحت تأثیر عامل «جنسیت» از منظر زبان‌شناسی اجتماعی است. بدین منظور، ۱۲ رمان فارسی مورد نظر (شش رمان متعلق به قبل از انقلاب و شش رمان متعلق به بعد از انقلاب و در هر دوره سه نویسنده زن و سه نویسنده مرد) به صورت تصادفی گزینش شد. چهارچوب نظری پژوهش مبتنی بر تلفیقی از آراء هایلند (۱۹۹۶) و وارنر (۲۰۰۱) در خصوص دسته‌بندی تردیدنماهاست. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و همزمان از روش تحلیل کیفی و رویکرد کمی بهره می‌گیرد؛ به این صورت که ابتدا انواع تردیدنماهای به کاررفته در گفتار شخصیت‌های موجود در رمان‌ها، بررسی و فراوانی آنها محاسبه شد. سپس، تردیدنماهای مستخرج ذیل شش دسته اصلی شامل: «افعال قضاوتی»، «افعال گواه‌نما»، «افعال وجهی»، «اسم‌ها»، «قیدها» و «صفات» طبقه‌بندی شدند و در ادامه، با بهره‌گیری از آزمون آماری کای‌دو، به تحلیل تردیدنماها و بررسی تأثیر عامل جنسیت بر به کارگیری این مقوله زبانی پرداخته شد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها و مقایسه فراوانی تردیدنماها نشان داد که بیش از نیمی از کل تردیدنماهای استفاده‌شده در آثار بررسی‌شده نویسندگان زن و مابقی در آثار هم‌تایان مرد آن‌ها به کارگرفته شده است؛ از این میان، اکثر تردیدنماهای استفاده‌شده در آثار نویسندگان مرد و زن از نوع افعال وجهی بودند. به علاوه، نتایج آزمون کای‌دو در بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد انواع تردیدنمای شخصیت‌ها نشان داد که مردان به طور معناداری بیشتر از زنان از افعال قضاوتی برای بیان تردید استفاده کرده‌اند. نتایج این پژوهش در تبیین ارتباط میان زبان، ژانر و مقوله‌های اجتماعی «جنسیت» و «هویت» نویسندگان به کار گرفته می‌شود و در گسترش مطالعات تحلیل گفتمان، تحلیل ژانر و مطالعات بینارشته‌ای زبان و جنسیت می‌تواند راهگشا باشد.

کلیدواژه: جنسیت، تردیدنما، رمان فارسی، زبان‌شناسی اجتماعی.

- ایمانی، آوا؛ خالقی، زهرا (۱۴۰۴). «بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی». دانشگاه سمنان: *مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۶(۴۱): ۲۸۶-۲۵۹.

[Doi: 10.22075/jlrs.2024.34619.2495](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34619.2495)

۱. مقدمه

زبان به‌عنوان ابزار برقراری ارتباط در جوامع، همواره تحت تأثیر ویژگی‌ها و متغیرهای اجتماعی قرار دارد. انعکاس برخی از این متغیرهای اجتماعی در زبان و چگونگی به‌کارگیری مقوله‌های زبانی مختلف، در ارتباط‌های زبانی و بافت‌های کلامی گویشوران زن و مرد، امری اجتناب‌ناپذیر است که توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. در میان عوامل اجتماعی متعددی که تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، «جنسیت»^۱ به‌عنوان متغیری حائز اهمیت، سهم بزرگی را به خود اختصاص داده است. بررسی وجود یا عدم ارتباط میان کاربرد مقوله‌های زبانی مختلف با عامل «جنسیت»، بررسی ویژگی‌های زبان زنان و مردان و تبیین چگونگی این تفاوت‌ها از جمله مسائل مهمی است که پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی اجتماعی بر آن تمرکز کرده‌اند. لیکاف و باچولتز^۲ (۲۰۰۴) در همین راستا، مقوله‌ها و ویژگی‌های مختلفی را برای زبان مخصوص زنان و مردان عنوان می‌کنند: استفاده از تردیدنماها^۳، دشواژه‌ها^۴، رنگ‌واژه‌ها و صفات خاص، پرسش‌های ضمیمه‌ای^۵، تکیه تأکیدی^۶، گفتار غیرمستقیم و صورت‌های مؤدبانه از جمله این ویژگی‌ها هستند.

در این میان، مقوله «تردیدنماها» نیز به‌طور خاص، توجه زبان‌شناسان و محققان بسیاری را به خود معطوف کرده است. به‌عنوان مثال، در ارتباط با عبارات تردیدنما، هولمز^۷ (۲۰۱۳) همسو با لیکاف و باچولتز (۲۰۰۴) معتقد است که به‌طور کلی، این گونه عبارات زبانی را می‌توان به دو دسته تردیدنماها^۸ و تصدیق‌گرها/یقین‌نماها^۹ تقسیم کرد

۱. منظور جنسیت زیست‌شناختی (biological gender) کاربران زبان است که مقوله‌های زبانی مختلف را در گفتارشان به کار می‌گیرند.

2. Lakoff, R. & Bucholtz, M.

3. hedges

4. taboo words

5. tag questions

6. emphatic stress

7. Holmes, J.

8. hedging devices

9. boosting devices

که به ترتیب، ابزارهایی برای کاستن اطمینان گفتار و یا تأیید بیشتر آن به شمار می آیند. هولمز (۲۰۱۳: ۳۰۲) اذعان می دارد که طبق استدلال لیکاف و باچولنز (۲۰۰۴)، هر دو دسته این توصیف گرها نشان از گوینده ای نامطمئن دارند. به عبارت دقیق تر، تردیدنماها به وضوح نشان دهنده نااطمینانی هستند و تصدیق گرها نیز نشان می دهند که گوینده پیش بینی می کند مخاطبش قانع نخواهد شد؛ بنابراین از تصدیق گرها استفاده می کند تا با افزودن بر قطعیت کلام، جدی گرفته شود.

علاوه بر زبان گفتار، بسامد و انعکاس ابزارهای بیان تردید در نوشتار و متون مکتوب نیز مورد سؤال پژوهشگران بوده است (هایلند، ۱۹۹۶؛ وارتالا، ۲۰۰۱). بر همین اساس، یکی از فرضیه های پژوهش حاضر این است که نحوه به کارگیری مقوله زبانی «تردیدنماها» در متون داستانی نویسندگان زن و مرد متفاوت است و همچنین شخصیت های متون داستانی بسته به «جنسیت» شان به شیوه های متفاوتی، هم به لحاظ نوع و هم به لحاظ فراوانی، از «تردیدنماها» استفاده می کنند.

عبارت «تردیدنما»، را برای اولین بار، لیکاف^۳ (۱۹۷۳: ۱۹۵) برای توصیف «کلماتی که وظیفه آن ها کم و بیش مبهم کردن پدیده ها است»^۴ استفاده کرده است و از آن پس، به مواردی مانند فکر می کنم، شاید و احتمالاً که به طور معمول از آن ها برای درجه بندی ادعاهای خود استفاده می کنیم، اطلاق شد. از این رو، «تردیدنما» هر ابزار زبانی است که نشان دهنده الف) کمبود تعهد کامل به صدق یک گزاره و ب) تمایل به ابراز نکردن تعهد به صورت قطعی باشد (هایلند، ۱۹۹۶: ۲۵۸-۲۵۷).

به عبارت دیگر، مقوله «تردیدنماها» به عنوان یکی از انواع راهبردهای بیان موضع^۵ و دیدگاه نویسندگان و یکی از ابزارهای مهم برای بیان «خود/ هویت نویسنده»، ارائه باورها و نگرش نویسندگان زن و مرد و نیز به عنوان یکی از امکانات بازنمایی تفاوت های

-
1. Hyland, K.
 2. Varttala, T.
 3. Lakoff, G.
 4. "to make things more or less fuzzy"
 5. Stance features

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۶۱

جنسیتی‌زبانی در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حائز اهمیت است؛ بنابراین، هدف اصلی (خرد) پژوهش حاضر، از یکسو تحلیل و طبقه‌بندی «تردیدنماها»ی موجود در متون داستانی زبان فارسی بر مبنای آراء هایلند (۱۹۹۶) و وارتالا (۲۰۰۱) و از سوی دیگر، بررسی تأثیر عامل «جنسیت» نویسندگان و همچنین شخصیت‌های متون داستانی بر میزان به‌کارگیری انواع «تردیدنماها»ست. هدف کلان (تر) پژوهش، بازنمایی دیدگاه‌های نویسندگان زن و مرد و نوع روابطشان با مخاطب، دستیابی به درک عمیق‌تر ایدئولوژی‌های پنهان در متون و به‌طور خاص در ژانر رمان فارسی است که از رهگذر آن می‌توان به واکاوی ارتباط میان «زبان»، «ژانر» و مقوله‌های اجتماعی «جنسیت» و «هویت» پرداخت. نتایج این پژوهش می‌تواند موجب گسترش مطالعات حوزه زبان‌شناسی اجتماعی، تحلیل ژانر و تحلیل گفتمان شود و مورد استفاده بسیاری از محققان و پژوهشگران بینارشته‌ای نیز قرار گیرد.

لازم به اشاره است که در جستار حاضر، صرفاً به بررسی مقوله «تردیدنماها» و ارتباط آن با عامل «جنسیت» می‌پردازیم و تحلیل سایر مقوله‌های زبانی مورد نظر لیکاف و هولمز و ارتباط این مقوله‌ها با سایر عوامل و متغیرهای اجتماعی از جمله «سن»، «تحصیلات»، «فرهنگ محلی و منطقه جغرافیایی» را به پژوهش‌های آتی موکول می‌کنیم.

۱-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌ها

مسئله اصلی در این پژوهش، بازنمایی مقوله «تردیدنماها» در برخی رمان‌های فارسی تحت تأثیر عامل «جنسیت» نویسندگان و همچنین، شخصیت‌های متون داستانی و درنهایت تحلیل تفاوت‌های آنها در به‌کارگیری این مقوله زبانی است. این پژوهش به منظور پاسخگویی به پرسش‌های ذیل انجام می‌پذیرد:

۱- جنسیت نویسندگان رمان‌های فارسی چه تأثیری بر کیفیت کاربرد انواع

«تردیدنماها» دارد؟

۲- جنسیت نویسندگان رمان‌های فارسی چه تأثیری بر کمیت و توزیع فراوانی

«تردیدنماها» دارد؟

۳- تفاوت کیفیت و کمیت کاربرد تردیدنها در گفتار زنان و مردان در رمان‌های فارسی چگونه تبیین می‌شود؟

مقاله حاضر مشتمل بر شش بخش است. پس از مقدمه، مبانی نظری تحقیق با محوریت آراء هایلند (۱۹۹۶) و وارنالا (۲۰۰۱) را به بحث خواهیم گذاشت. به دنبال این بخش، روش انجام پژوهش و چگونگی گردآوری داده‌ها مطرح خواهد شد و سپس بخش تحلیل داده‌ها و بحث ارائه می‌شود. قسمت آخر این مقاله به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

با وجود آنکه مقوله «تردیدنما» مدت‌ها پیش وارد مباحث زبان‌شناسی شد، شمار مطالعات انجام‌شده در این حوزه در زبان فارسی زیاد نیست و اندک پژوهش‌های صورت گرفته نیز، عمدتاً مقوله «تردیدنما» را صرفاً در متون و بافت‌های علمی بررسی کرده‌اند که در ادامه همین بخش، برخی از مهم‌ترین آنها را به اختصار برشمرده‌ایم؛ پژوهش پیش‌رو در صدد آن برآمده تا با تمرکز بر متغیر «جنسیت» به جستجو پیرامون چگونگی کاربرد «تردیدنما» در متون غیرعلمی فارسی (به‌طور خاص متون داستانی) پرداخته و از این رهگذر، خلاء موجود در پژوهش‌های پیشین را پر کند. در ادامه، برخی از پژوهش‌های مهم انجام شده در خصوص تردیدنها را از نظر می‌گذرانیم:

موردوناس^۱ (۲۰۲۱) به بررسی مقایسه‌ای انواع تردیدنها در مقالات علمی انگلیسی و اسپانیایی در حوزه مدیریت تجارت می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تفاوت در میزان استفاده و همچنین نوع تردیدنمایی را که در این دو زبان به کار گرفته می‌شود، نه تنها از بعد زبانی، بلکه از بعد تفاوت‌های فرهنگی و از رهگذر گزینش‌های بلاغی مرجح در سطح دستور و واژگان نیز می‌توان تبیین کرد.

عموزاده و زارعی‌فرد (۲۰۱۹) مبحث فراگفتنمان تعاملی جنسیت را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله، آنها به تحلیل کمی و کیفی بیست و چهار مقاله

1. Mur-Dueñas, P.

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۶۳
ارائه‌شده در کنفرانس‌ها می‌پردازند و با تمرکز بر نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی، از جمله تردیدنماها، یقین‌نماها و نگرش‌نماها، تأثیر عامل جنسیت را بر چگونگی به‌کارگیری مقوله‌های مذکور می‌کاوند و در پایان نتیجه می‌گیرند که جایگاه علمی و همچنین بومی بودن سخنرانان زن و مرد موجب می‌شود که از راهبردهای فراگفتمانی مختلفی استفاده کنند.

افزون بر این، امینه^۱ (۲۰۱۹: ۶۲۳) تردیدنماها را با تکیه بر عامل «جنسیت» در چند مصاحبه تلویزیونی گزینش‌شده به زبان عربی بررسی کرده است. در این تحقیق با استفاده از اصل ادب براون و لوینسن^۲ (۱۹۸۷) و ترکیبی از طبقه‌بندی‌های تردیدنماها، هر گونه ابزار و امکاناتی که به نوعی نشان‌دهنده تردید یا یقین^۳ هستند و همچنین نقش آن‌ها در بافت، استخراج شده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مردان نسبت به هم‌تایان زن، از تردیدنماها به میزان بیشتری استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش با آنچه لیکاف (۱۹۷۵) اذعان می‌دارد در تضاد است؛ چراکه لیکاف ادعا می‌کند زنان تمایل بسیار بیشتری نسبت به مردان برای استفاده از «تردیدنماها» دارند. به علاوه، این پژوهش اثبات می‌کند که بافت، عامل مهمی در تعیین نوع و بسامد «تردیدنما» در گفتار است.

لیویتسکا^۴ (۲۰۱۹) انواع و بسامد تردیدنماهای به‌کاررفته توسط نویسندگان مقالات پژوهشی دانشگاهی به زبان انگلیسی را در حوزه زبان‌شناسی کاربردی بررسی کرده است. پیکره این تحقیق شامل ۲۰ مقاله پژوهشی در ۴ موضوع است که به‌صورت تصادفی از مجلات با دسترسی رایگان انتخاب شده‌اند. برای تعیین نوع و بسامد کاربرد تردیدنماها در مقالات، از چهارچوب نظری هایلند (۱۹۹۶) استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند تردیدنماهای خواننده‌محور عمده‌ترین نوع «تردیدنما» را در مقالات حوزه

1. Amine, W. F. A. A. A.

2. Brown, P. & Levinson, S.

3. hedges & boosters

4. Livytska, I

زبان‌شناسی کاربردی تشکیل می‌دهند و این گونه تردیدنماها در متون زبان‌شناسی کاربردی وابسته به موضوع هستند؛ به گونه‌ای که حتی درون یک حوزه نیز از نظر رده‌بندی، بسامد و توزیع متغیرند (۲۰۱۹: ۳۷-۳۵).

ونگ و تاتیانا^۱ (۲۰۱۶) در پیکره‌ای شامل ۷۵۰ مقاله پژوهشی از ۱۵ مجله برجسته در زمینه زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی^۲ به بررسی ابزارهای «تردیدنما» بر اساس چهارچوب نظری هایلند (۱۹۹۸ و ۲۰۰۵) و وارتالا (۱۹۹۹) می‌پردازند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که افعال و جهی^۳ بیشترین نوع «تردیدنما» (بالا‌ترین فراوانی) و طبقه اسم‌ها (مطابق با طبقه‌بندی هایلند و وارتالا) کمترین تردیدنماهای به کاررفته هستند (پایین‌ترین میزان فراوانی).

هولمز (۲۰۱۳: ۳۰۲) با اشاره به آراء لیکاف درخصوص زبان زنانه مبنی بر استفاده از تردیدنماهای واژگانی یا پرکننده‌هایی مانند *you know, sort of* یا استفاده از پرسش‌های ضمیمه‌ای که نشان‌دهنده تردید گوینده هستند، عنوان می‌کند که ویژگی‌های ارائه‌شده لیکاف (۱۹۷۵) برای زبان زنان را می‌توان به دو گروه کلی، شامل ابزارهای «تردیدنما» و ابزارهای «تصدیق‌گر»، تقسیم کرد. وی با بررسی نقش پرسش‌های ضمیمه‌ای در پیکره‌ای شامل ۶۰ هزار کلمه نتیجه می‌گیرد که طبق پیش‌بینی لیکاف، زنان بیشتر از مردان از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده می‌کنند؛ اما نکته جالب این است که هر دو جنس اغلب برای نقش‌های زبانی متفاوتی از آن‌ها بهره می‌گیرند؛ یعنی زنان بیشتر از مردان روی نقش ادب یا نقش احساسی پرسش‌های ضمیمه‌ای تأکید دارند و آن‌ها را به‌عنوان ابزار نمایانگر ادب به کار می‌برند؛ درحالی که مردان از پرسش‌های ضمیمه‌ای، غالباً برای نشان دادن تردید استفاده می‌کنند (همان، ۲۰۱۳: ۳۰۷).

هولمز (۱۹۹۰) در بررسی صورت، نقش و توزیع تردیدنماها و تصدیق‌گرها که به‌عنوان ویژگی‌های زبان زنان معرفی شده‌اند، نتیجه می‌گیرد این خصایص زبانی

1. Wang, S.P. & Tatiana, K
2. EFL
3. modal auxiliary

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۶۵

صورت‌هایی پیچیده با نقش‌هایی پیچیده هستند. براون (۱۹۷۷) معتقد است تمام این خصیصه‌ها در سطح برنامه‌ریزی گفتمان به‌عنوان پرکننده‌های کلام عمل می‌کنند. به گفته وی (همان) این خصیصه‌ها ابزارهایی هستند که با فراهم کردن زمان برای گوینده جریان روان گفتمان را تسهیل می‌کنند یا در گفتگو مانند روان‌کننده عمل کرده و موجب چرخش صحبت میان شرکت‌کنندگان می‌شوند. هولمز (۱۹۹۰: ۲۰۱) ادعا می‌کند طبق بررسی‌های توزیعی در این پژوهش، حداقل در داده‌های وی، زنان برخلاف ادعای لیکاف (۱۹۷۵) بیشتر از مردان از این اجزاء فعلی استفاده نمی‌کنند. بررسی نقش این اجزاء نشان می‌دهد که زنان مکرراً از آن‌ها برای بیان نظرات مطمئن خود یا به‌عنوان ابزارهای ادب مثبت استفاده می‌کنند که بیشتر از آنکه برای بیان تردید باشد، نشانه‌های همراهی با مخاطب است (هولمز، ۱۹۹۰: ۲۰۲). بدین ترتیب، به‌عنوان مثال پرسش‌های ضمیمه‌ای که لیکاف (۱۹۷۵) مدعی است زنان از آن‌ها برای نشان دادن تردید استفاده می‌کنند، بیشتر اوقات توسط مردان برای بیان عدم قطعیت به کار می‌رود؛ این در حالی است که زنان اغلب از این پرسش‌ها در نقش ادب تسهیل‌کننده بهره می‌برند (هولمز، ۱۹۹۰).

در میان پژوهشگران ایرانی، خالقی و ایمانی (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر دو عامل جنسیت و سن بر کاربرد تردیدنماها در گفتار گویشوران زبان فارسی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مردان در گفتار خود نسبت به زنان بیشتر از افعال قضاوتی استفاده کرده و میزان کاربرد افعال گواه‌نما در گفتار زنان بیشتر است.

نمازیان‌دوست و شفیعی (۲۰۱۸: ۶۳) تفاوت میان زبان‌آموزان زن و مرد از نظر استفاده از تردیدنماهای واژگانی در زبان محاوره‌ی انگلیسی در محیط دانشگاهی را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که میان میزان تمایل شرکت‌کنندگان زن و مرد در انتخاب تردیدنماهای واژگانی تفاوت وجود دارد و زنان بیشتر از این تردیدنماها استفاده می‌کنند. علاوه بر این، در این پژوهش مشخص می‌شود که پربسامدترین تردیدنماهای واژگانی پرکننده در زنان، عبارت‌های همم (hmm)،

اوه (uhh)، می‌دونی (you know) و آره (yeah) هستند و عبارات فکر کنم (I think)، اوه (uhh)، آره (yeah) نیز از پربسامدترین تردیدنماهای مردان هستند. به عبارت دقیق‌تر، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که زنان در گزینش تردیدنماهای واژگانی تنوع گسترده‌ای داشته‌اند؛ این درحالی است که مردان در انتخاب تردیدنماها چندان فعال نبوده‌اند.

سماعی و همکاران (۱۳۹۳: ۱۶۷۸) نوع و بسامد تردیدنماهای استفاده‌شده فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان را در بخش مقدمه مقالات پژوهشی دانشگاهی رشته ادبیات بررسی کرده‌اند. در پیکره این تحقیق ۴۰ مقاله که در مجلات داخلی و بین‌المللی منتشر شده‌اند، به صورت تصادفی انتخاب و از طریق آمارهای توصیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش مذکور نشان می‌دهد که نویسندگان انگلیسی در طرح ادعا و رد یا تأیید نظرات دیگران، نسبت به فارسی‌زبانان، تردید بیشتری دارند و همچنین، نویسندگان انگلیسی در مقایسه با هم‌تایان فارسی‌زبان خود از «افعال کمکی و جهی»، «افعال اسنادی»، «صفت‌ها» و «اسم‌ها»ی بیشتری در مقالات پژوهشی استفاده می‌کنند.

قلی‌فامیان و کارگر (۱۳۹۳: ۳۷) چهل مقاله نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران به زبان فارسی را بر اساس الگوی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد فراوانی نگرش‌نماهای منفی^۱ در کل پیکره بیش از سایر متغیرهای کلامی است و منتقدان اغلب این متغیرهای کلامی را در بخش پایانی مقالات نقد به کار می‌برند. علاوه بر این، مشخص شد که فراوانی نگرش‌نماهای منفی و یقین‌نما در نقدهای مربوط به منتقدان مرد دو برابر متون مربوط به منتقدان زن است. درنهایت، محمودی‌بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) بر مبنای دیدگاه لیکاف به بررسی رابطه زبان و جنسیت در شش رمان معاصر فارسی می‌پردازند و ویژگی‌های زبانی زنانه و مردانه را در شخصیت‌های اصلی این رمان‌ها با یکدیگر مقایسه و تحلیل می‌کنند. علاوه بر این، برای بررسی رابطه زبان و جنسیت در رمان‌های فارسی، جنسیت‌زدگی در برخی متون ادبی

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۶۷
فارسی و نیز مشخصه‌ها و ویژگی‌های زنانه‌نویسی و بررسی عناصر و مؤلفه‌های برجسته
واژگان زنانه و مردانه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: کریمی سنگدهی و همکاران
(۱۴۰۰)، رنجبر و همکاران (۱۴۰۳)، حسن‌زاده میرعلی و همکاران (۱۴۰۲) و Noosh,
Moeinzadeh & Ghazanfari (2022)

همان‌طور که در این بخش مرور کردیم، پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص
«تردیدنماها» در زبان فارسی عمدتاً بر متون رسمی و بافت‌های علمی متمرکز بوده است
و بررسی گونه‌نوشتاری عامیانه زبان فارسی (به‌طور خاص متون داستانی و عامیانه فارسی)
جایی در این پژوهش‌ها نداشته است. بدین ترتیب، جستار حاضر در صدد است که
بسامد انواع تردیدنما را در برخی رمان‌های فارسی با تمرکز بر جنسیت‌نویسندگان و
همچنین شخصیت‌های آثار داستانی مورد نظر، مطالعه کند.

۳. مبانی نظری پژوهش

چهارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر تلفیقی از آراء هایلند (۱۹۹۶) و وارتالا
(۲۰۰۱) در خصوص دسته‌بندی تردیدنماهاست که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم:
هایلند (۱۹۹۶: ۷) پس از بررسی تردیدنماها در مقالات پژوهشی، آن‌ها را بر اساس
نقش‌شان به دو دسته^۱ (۱) تردیدنماهای محتواانگیزه^۱ و (۲) خواننده‌انگیزه^۲ تقسیم
می‌کند. تردیدنماهای دسته (۱) رابطه میان آنچه را که نویسنده درباره جهان می‌گوید و
آنچه را که درباره چگونگی جهان تصور می‌شود را کمرنگ می‌کنند (همان). در همین
گروه، تردیدنماهای دقت‌محور^۳ نویسندگان را قادر می‌سازند تا با دقت و احتیاط بیشتری
در حوزه‌هایی که تفاسیر متغیر دارند، به بیان گزاره‌ها بپردازند. این تردیدنماها با مشخص
کردن نحوه درک عبارات (مثال‌های a و b) یا نشان دادن ارزیابی نویسنده از قطعیت
یک گزاره به صورت شفاف (مثال‌های c و d)، سطح دانش درباره یک موضوع را
مشخص می‌کنند.

1. content-motivated
2. reader-motivated
3. accuracy-based

- (a) Staining was generally confined to the vascular tissues ...
- (b) The proteolysis of PEPc was almost completely prevented by the inclusion of ...
- (c) Such a mechanism might serve to balance the synthesis of the products ...
- (d) The most hydrophobic of these external loops is a probable candidate for...

تردیدنماهای نویسنده محور^۱ از طریق محدود کردن تعهد به ادعاها و محو کردن رابطه میان نویسنده و گزاره، تمایل نویسنده برای پیش‌بینی پیامدهای منفی احتمالی ناشی از اثبات اشتباه بودن گزاره را نشان می‌دهند. این نوع از تردیدنماها برعکس تردیدنماهای دقت محور به جای افزایش دقت ادعاها، حضور نویسنده را در متن کاهش می‌دهند. این کار از طریق مخفی شدن نویسنده پشت امکانات نحوی، مانند استفاده از حالت مجهول (مثال e) یا «بیانات انتزاعی» که ادعا را به متن یا داده‌ها نسبت می‌دهند (مثال f و g)، انجام می‌شود (هایلند، ۱۹۹۶: ۸).

- (e) It seems that the stomata do not use the Calvin cycle ...
- (f) These data indicate that phytochrome A possesses the intrinsic ...
- (g) Thus, the evidence strongly favors the conclusion that...

تردیدنماهای دسته (۲) مواردی هستند که برای افزایش میزان تأیید و تصدیق ادعاها گوینده/ نویسنده نیاز به همکاری و تعامل با مخاطب دارند. این دسته معمولاً شامل مواردی است که هدف از به‌کارگیری آنها، شخصی قلمداد کردن تفسیر و موضع نویسنده است و با القای این مطلب، جهانی بودن و صحت ادعای نویسنده را در سایه تردید می‌برند (مثال‌های h, i, j و k) (هایلند، ۱۹۹۶: ۹).

- (h) In our hands, there was no significant change in V_{max} on illumination .

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۶۹

(i) I believe that the major organizational principle of thylakoids is that of...

(j) I suggest here that the photosynthetic apparatus in higher plants not only ...

(k) My analogy is with a conveyor belt.

هایلند (۱۹۹۶) در ادامه از دیگر ابزارهای واژگانی و راهبردی نام می‌برد که برای

نشان دادن تردید از آن‌ها استفاده می‌شود. دسته‌بندی هایلند (۱۹۹۶) از مقوله «تردیدنما»

در جدول (۱) آمده است:

جدول ۱: انواع تردیدنما طبق دسته‌بندی هایلند (۱۹۹۶)

افعال وجهی، ^۱ مانند would, could, may و غیره.	تردیدنماهای واژگانی ^۱
افعال واژگانی معرفتی، ^۲ مانند appear, suggest, indicate و غیره که خود به دو نوع افعال قضاوتی ^۳ و افعال گواه‌نما ^۴ تقسیم می‌شوند.	
صفات معرفتی، ^۵ مانند most, (un)likely, possible و غیره.	
قیده‌های معرفتی، ^۶ مانند almost, generally, presumably و غیره.	
<p>(۲) تردیدنماهای راهبردی^۸ که نویسندگان به واسطه آن‌ها می‌توانند با ارجاع به ضعف‌های تجربی، محدودیت‌های مدل، نظریه یا روش به کار رفته، یا دانش ناکافی میزان قطعیت گزاره را مشخص کنند (مثال I و m):</p> <p>(l) We do not know whether the increase in intensity of illumination from 250 to ...</p> <p>(m) One cannot exclude a possibility that the activity of EF-2 Kinase in wheat germ ...</p>	

1. lexical hedges
2. modal verbs
3. epistemic lexical verbs
4. judgmental verbs
5. evidential verbs
6. epistemic adjectives
7. epistemic adverbs
8. strategic hedges

وارتالا (۲۰۰۱) نیز بعد از هایلند (۱۹۹۶) و در پژوهشی مشابه، به بررسی تردیدنماها در مقالات علمی انگلیسی پرداخته و نتایج پیکره مورد مطالعه خود را در ۸ گروه / زیرگروه متفاوت دسته‌بندی کرده است که جزئیات این دسته‌بندی در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲: انواع تردیدنما طبق دسته‌بندی وارتالا (۲۰۰۱)

افعال کمکی و جهی ^۱ مانند would, could, may و غیره	
افعال گزارشی غیرواقعی ^۳ که «افعال کارگفتی ^۴ » زیادی را شامل می‌شود. مانند argue, predict, imply و غیره. این افعال از این رو کارگفتی نامیده می‌شوند که در اصل «عمل مورد اشاره را بیشتر از آنکه توصیف کنند، اجرا می‌کنند» (وارتالا، ۲۰۰۱، صفحه ۱۲۰).	افعال کام‌ل ^۲ مانند
افعال معرفتی احتمالی ^۵ که بیشتر به وضعیت یا فرایند ذهنی کسانی که نظراتشان گزارش می‌شود اشاره دارد تا فعالیت زبانی (همان، صفحه ۱۲۲)؛ مانند assume, speculate, estimate و غیره.	suggest.
افعال معین احتمالی ^۶ مانند appear و seem.	
قیده‌های احتمالی ^۷ مانند possibly, likely, potentially و غیره.	قیدها
قیده‌های بسامد حدودی ^۸ مانند frequently, typically, generally و غیره.	
قیده‌های درجه حدودی ^۹ مانند greatly, somewhat, quite و غیره.	
قیده‌های تقریبی ^{۱۰} مانند virtually, nearly, almost و غیره.	
صفات احتمال ^{۱۱} مانند potential, possible و غیره.	صفات
صفات بسامد حدودی ^{۱۲} مانند typical, usual, common و غیره.	

1. modal auxiliaries
2. full verbs
3. nonfactive reporting verbs
4. performative verbs
5. tentative cognition verbs
6. tentative linking verbs
7. probability adverbs
8. adverbs of indefinite frequency
9. adverbs of indefinite degree
10. approximate adverbs
11. probability adjectives
12. adjectives of indefinite frequency

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۷۱

صفات درجه حدودی، ^۱ مانند substantial, significant و غیره.	
صفات تقریبی، ^۲ مانند approximate.	
اسم‌های اظهاری غیر واقعی، ^۳ مانند proposition, claim و غیره.	اسم‌ها
اسم‌های معرفتی احتمالی، ^۴ مانند estimate, belief و غیره.	
اسم‌های شبه‌احتمالی، ^۵ مانند likelihood, tendency و غیره.	
<p>(۶) عناصر وابسته به بند^۶ که شامل بندهای شرطی نیز می‌شوند (مثال‌های n و o) (همان، صفحه ۱۴۵). (n) In interpreting these results, it must be kept in mind that our sample was not representative of all US firms. [...] Whether these results would generalize to a broader population is not known. (o) Broader definitions (including UP diagnoses) are useful because they allow for more ill persons to be included in the linkage analysis, yielding increased power to detect linkage if the affection status model is correct.</p>	
(۷) سؤالات	
<p>(۸) دیگر تردیدنماها که شامل انواع مختلف تردیدنما (مانند عبارات یا اقلام واژگانی که معنایی غیر از تردیدنماهای دسته‌های قبلی دارند) هستند (مثال p) (همان، صفحه ۱۴۹). (p) An increase in the minimum wage could lead to an increase in full-time employment relative to part-time employment for at least two reasons.</p>	

در پژوهش حاضر، برای استخراج تردیدنماها، به صورت تلفیقی از دسته‌بندی‌های وارتالا (۲۰۰۱) و هایلند (۱۹۹۶) بهره گرفته‌ایم که تقسیم‌بندی و مثال‌های مربوط به هر دسته در ادامه آورده شده است:

(۱) افعال اصلی قضاوتی، مانند «فکر می‌کنم»، «به نظر من/من» و غیره ...

1. adjectives of indefinite degree
2. approximate adjectives
3. nonfactive assertive nouns
4. tentative cognition nouns
5. nouns of tentative likelihood
6. clausal elements

۲) افعال اصلی گواه‌نما، مانند «می‌گن» و «انگاشتن» (یا مشتقات آن، یعنی انگار/انگاری^۱).

۳) قیدها، مانند «احتمالاً».

۴) صفات، مانند «بالقوه»، «یاحتمل».

۵) اسم‌ها (در داده‌ها و پیکره مورد بررسی در این پژوهش، نمونه‌ای برای این دسته یافت نشد).

۶) افعال وجهی، مانند «شایستن (شاید) و بایستن (باید)».

۴. روش

پژوهش حاضر ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی و همچنین کمی صورت می‌گیرد. تحلیل کیفی پژوهش مبتنی بر آرای هایلند (۱۹۹۶) و وارثالا (۲۰۰۱) بوده و رویکرد کمی شامل آمار توصیفی و استنباطی برای محاسبه توزیع فراوانی انواع تردیدنماها و بررسی میزان همبستگی و سطح معناداری آن‌ها در ارتباط با متغیر «جنسیت» نویسندگان و شخصیت‌های متون داستانی است.

برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش از ۱۲ رمان فارسی که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، استفاده شده است. از این تعداد، ۶ رمان متعلق به قبل از سال ۱۳۵۷ و شش رمان متعلق به بعد از این تاریخ و در هر دوره سه نویسنده زن و سه نویسنده مرد هستند. برای انتخاب این پیکره در ابتدا فهرستی از آثار چاپ شده در دوره‌های زمانی قبل و بعد از سال ۵۷ تهیه شد و سپس طبق فیلترهای مدنظر پژوهش (جنسیت نویسندگان و تاریخ اولین چاپ) از میان این آثار، مجموعاً ۱۲ اثر به صورت تصادفی انتخاب شد. بدیهی است فهرست تنها شامل آثاری بوده است که به‌طور رسمی چاپ شده و اطلاعات آن در دسترس عموم قرار دارد. جزئیات این آثار منتخب در قسمت زیر آمده است:

رمان‌های قبل از سال ۵۷:

۱. طبق نظر تسلی‌بخش و چنگیزی (۱۳۹۹)، «انگار و انگاری» دو قید وجهی هستند که بر شک و تردید دلالت دارند و از طریق فرآیند دستوری‌شدگی از فعل «انگاشتن» به وجود آمده‌اند.

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۷۳

سنگ صبور، نوشته صادق چوبک (۱۳۴۵)

ماهی سیاه کوچولو، نوشته صمد بهرنگی (۱۳۴۷)

علویه خانم و ولنگاری، نوشته صادق هدایت (۱۳۲۲)

سگ و زمستان بلند، نوشته شهرنوش پارسی‌پور (۱۳۵۳)

سووشون، نوشته سیمین دانشور (۱۳۴۸)

خواب زمستانی، نوشته گلی ترقی (۱۳۵۱)

رمان‌های بعد از سال ۵۷:

طوبا و معنای شب، نوشته شهرنوش پارسی‌پور (۱۳۶۸)

جزیره سرگردانی، سیمین دانشور (۱۳۷۲)

حکایت گل‌های رازیان، نوشته سودابه فضائلی (۱۳۹۵)

فریدون سه پسر داشت، نوشته عباس معروفی (۱۳۸۳)

داستان یک شهر، احمد محمود (۱۳۵۸)

آواز کشتگان، رضا براهنی (۱۳۶۲)

لازم به توضیح است که به منظور تحلیل داده‌ها و برای محاسبه میزان همبستگی و سطح معناداری فراوانی‌های به دست آمده در این پژوهش از آزمون آماری کایدو^۱ استفاده شده است که در بخش تحلیل داده‌ها، جداول مربوط به تحلیل‌های آماری و یافته‌های حاصل گزارش خواهد شد. همچنین، لازم به اشاره است به دلیل بالا بودن تعداد شاهد‌های استخراج شده از پیکره پژوهش (۱۰۶۰ شاهد)، توزیع داده‌ها طبق قضیه حد مرکزی، نرمال فرض شده است.

۵. بحث و تحلیل

همان‌طور که در بخش روش انجام پژوهش توضیح داده شد، انواع تردیدنماها از میان رمان‌های فارسی که به روش تصادفی گزینش شدند، استخراج شده‌اند؛ نمونه‌هایی از این مصادیق در ادامه به تفکیک دسته‌بندی انتخابی شرح داده می‌شود:

افعال اصلی قضاوتی

«... به نظر او هیتلر بزرگ‌ترین آدمی بود که تا این لحظه در تاریخ بشریت ظاهر شده بود» (سنگ و زمستان بلند، ۴۷).

«... شعرهایش را به آب گنگ داد و گمانم از پانرپانچلی یاد گرفته بود و با زنی آمریکایی عروسی کرد و با هم به بارسلون رفتند...» (حکایت گل‌های رازیان، ۴۷).
«... ای کاش من چنان جرئتی داشتم؛ اما چون می‌دانم ممکن است مرا قصاص کنند و در نتیجه از دیدار تو محروم گردم، حاشا و کلا که به چنین کاری دست بزنم» (سنگ صبور، ۵۳).

«... نظمیۀ داره دربدر دنبالشون می‌گرده. ممکنه یکی اونارو کشته باشه، خدا خودش بهتر می‌دونه» (سنگ صبور، ۱۷۴).

افعال اصلی گواه‌نما

«... به بلقیس گفتم: انگاری که خیلی دلت واسه جهان سلطون می‌سوزه. بهتر شد که مرد...» (سنگ صبور، ۱۴۷).

«... هذیان نبود، سرواژه می‌کردی. انگار داری با دوستت حرف می‌زنی» (فریدون سه پسر داشت، ۱۵۷).

«... انگار خیلی تلخه. نمی‌خورم. شربت نارنج دوست نمی‌دارم» (سنگ صبور، ۲۱۱).
«... چشم‌های دختر مورب بود و موهایش را باد پریشان کرده بود. انگار در شاهراه خوشبختی می‌رانند، بسکه شنگول می‌نمود» (جزیره سرگردانی، ۱۰۲).

قیدها

«... جای پهن کردن جانماز بود. مادر و جد و آباد مادر بزرگ هم احتمالاً بر روی همان گله جا و در همین خانه جانمازهایشان را پهن کرده بودند...» (جزیره سرگردانی، ۴).

«... حالا یادت باشد که قرار مهمی داری. این آدمی که می‌آید اینجا، احتمالاً مقدمات سفر را برات جور می‌کند» (فریدون سه پسر داشت، ۱۲۱).

«... پرسید: - کی برمی‌گردند؟»

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۷۵
 - نمی‌دانم، احتمالاً تا آخر وقت امروز وقت ملاقات نخواهند داشت» (سگ و زمستان بلند، ۳۲۸).

۴) افعال وجهی

«دائی گفت: خوب شاید هم راست می‌گویند، امروزه روز کار آزاد خیلی باب شده...» (سگ و زمستان بلند، ۷۸).

«... گفت خب آقای محمدی پسر شما از روس‌ها پول می‌گیرد؟ گفتم نخیر قربان، گفت شاید هم با انگلیس‌ها ساخته؟ گفتم به سر شما قسم که همچی چیزی نیست. گفت پس لابد آمریکایی‌ها بهش کمک می‌کنند. گفتم آخر آقا والله اینطور نیست. گفت خب پس حتما دیوانه است...» (سگ و زمستان بلند، ۵۱).

«لابد وقتی قاطی سربازهای بیچاره ما می‌شده‌اند آن‌ها خیال کرده‌اند نیروی کمکی که آنقدر منتظرش بودند رسیده، هل‌هله هم کرده‌اند» (سوشون، ۲۱۱).

«با ترس و تعجب آب نبات رو ازش گرفتم و چشمم تو چشمش انداختم. شاید او هم وحشت کرد. نمی‌دونم. شاید اینطور نبود» (سنگ صبور، ۱۱۹).

در ادامه و در زیربخش ۴-۱ داده‌های آماری استخراج‌شده تحلیل و نتایج آزمون‌های آماری به تفصیل گزارش خواهد شد.

۱-۵. تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها

توزیع فراوانی انواع تردیدنما در آثار نویسندگان زن و مرد به شرح جدول (۳) گزارش می‌شود:

جدول ۳: درصد انواع تردیدنماهای استفاده‌شده در آثار نویسندگان زن و مرد

جنسیت نویسنده	تعداد	مجموع تردیدنماها	قید	افعال قضاوتی	افعال گواه‌نما	افعال وجهی	اسم	صفت
زن	۶۸۸	۶۸۸	۱۴	۱۲۵	۱	۵۴۸	۰	۰
	درصد	۶۴/۹٪	۲/۰٪	۱۱/۷٪	۰/۱٪	۷۹/۶٪	۰٪	۰٪
مرد	۳۷۲	۳۷۲	۰	۶۰	۳	۳۰۸	۰	۰
	درصد	۳۵/۰٪	۰٪	۱۶/۱٪	۰/۸٪	۸۲/۷٪	۰٪	۰٪

همان گونه که در جدول (۳) دیده می شود، ۶۴٫۹٪ از کل تردیدنماهای یافت شده در پیکره مکتوب (در مجموع ۱۰۶۰ شاهد) را نویسندگان زن و مابقی را نویسندگان مرد استفاده کرده اند. همچنین از میان انواع نشانگرهای تردید، هر دو دسته نویسندگان (زنان ۷۹٫۶٪ و مردان ۸۲٫۷٪) بیشتر از افعال وجهی استفاده کرده اند.

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، بررسی شمار تردیدنماهای به کاررفته در متون داستانی مورد بررسی، نشان داد که در مقیاس کلی تفاوت معناداری میان درصد کاربرد این مقوله زبانی شخصیت های زن و مرد رمان ها وجود ندارد. به عبارت دقیق تر، از آنجا که می خواهیم فراوانی تردیدنماها را در دو گروه زن و مرد مقایسه کنیم، از آزمون کای دو بهره می گیریم، خواه توزیع داده ها نرمال باشد و خواه نرمال نباشد و چون در این پژوهش عملاً تنها با یک متغیر کیفی اسمی، یعنی «جنسیت» سروکار داریم، توزیع نرمال معنا پیدا نمی کند؛ زیرا توزیع نرمال مربوط به متغیرهای کمی مانند «سن» است؛ اما از طرف دیگر، طبق قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد نمونه ها در هر گروه (زن و مرد) بالای ۳۰ باشد، توزیع میانگین آن متغیر کمی مورد نظر (میزان استفاده از تردیدنماها) نرمال فرض می شود؛ بنابراین برای مقایسه فراوانی های مشاهده شده با فراوانی های مورد انتظار (که از توزیع فراوانی یکنواخت پیش بینی شده محاسبه می شوند) از آزمون کای دو بهره گرفته می شود؛ چون اگر تفاوت معناداری بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار وجود داشته باشد، این آزمون نتیجه معنی دار را نشان خواهد داد. در ادامه، نتایج انجام آزمون آماری کای دو برای سنجش تأثیر جنسیت بر کاربرد این مقوله زبانی در جدول (۴) آورده شده است:

جدول ۴: میزان استفاده کلی از تردیدنماها در منابع مکتوب از شخصیت های زن و مرد

Sig	Chi-Square	مرد	زن	
۱۴۰/۰	٪۲/۱۷۴	۵۵۴	۵۰۶	تعداد
		٪۵۲/۳	٪۴۷/۷	درصد

به منظور دستیابی به نتایج دقیق تر در خصوص تأثیر عامل جنسیت بر کاربرد این مقوله زبانی، تعداد تردیدنماهای به کاررفته از هر دسته در رمان های شخصیت های زن و مرد

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۷۷

بررسی گردید. طبق داده‌های گردآوری‌شده، در پیکره متون داستانی موردبررسی در این تحقیق، هیچ‌گونه تردیدنمایی از دسته اسم و صفت مشاهده نشد. با توجه به اطلاعات جدول (۵) که در ادامه آورده شده است، از آنجا که سطح معناداری آزمون کای‌دو برای افعال گواه‌نما، وجهی و قیدها بیشتر از خطای ۰,۰۵ به دست آمده است، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد ادعا کرد که عامل جنسیت بر میزان کاربرد این دسته از تردیدنماها تأثیرگذار نیست. با وجود این، یافته‌ها نشان می‌دهد که شخصیت‌های زن و مرد در رمان‌ها از «افعال قضاوتی» به‌طور یکسان استفاده نکرده‌اند ($P < 0.05$) و مردان (۵۸,۴٪) به‌طور معناداری بیشتر از زنان (۴۱,۶٪) از نشانگرهای تردید متعلق به دسته افعال قضاوتی استفاده کرده‌اند؛ این نتیجه با آنچه خالقی و ایمانی (۱۴۰۲) در گفتار گویشوران زبان فارسی بدان دست‌یافته بودند، همسو است.

جدول ۵: میزان استفاده از انواع تردیدنماها در آثار شخصیت‌های زن و مرد

		مرد	زن	نوع تردیدنما
۰/۰۲۳*	۵/۱۹۵	۱۰۸	۷۷	تعداد
		٪۵۸/۴	٪۴۱/۶	درصد
۰/۳۱۷	۱	۳	۱	تعداد
		۷۵/۰	٪۲۵/۰	درصد
۰/۲۸۵	۱/۱۴	۵	۹	تعداد
		٪۳۵/۷	٪۶۴/۳	درصد
-	-	۰	۰	تعداد
		٪۰	٪۰	درصد
-	-	۰	۰	تعداد
		٪۰	٪۰	درصد
۰/۵۱۶	۰/۴۲۱	۴۳۸	۴۱۹	تعداد
		٪۵۱/۱	٪۴۸/۹	درصد

افزون بر بررسی تأثیر عامل «جنسیت» بر بسامد کاربرد تردیدنماها در آثار مذکور، در ادامه، نتیجه مقایسه فراوانی این مقوله زبانی در دو دوره زمانی انتخابی (قبل و بعد از سال ۵۷) نیز به شرح جدول (۶) گزارش می‌شود:

جدول ۶: درصد انواع تردیدنماهای استفاده‌شده نویسندگان در دوره‌های قبل و بعد از سال ۵۷

دوره زمانی		مجموع تردیدنماها	قید	افعال قضائتی	افعال گواه‌نما	افعال وجهی	اسم	صفت
قبل	تعداد	۲۰۴	۴	۳۷	۳	۱۶۰	۰	۰
	درصد	٪۱۹/۲	٪۱/۹	٪۱۸/۱	٪۱/۴	٪۷۸/۴	٪۰	٪۰
بعد	تعداد	۸۵۶	۵	۷۷	۰	۴۷۲	۰	۰
	درصد	٪۸۰/۷	٪۵/۰	٪۸/۹	٪۰	٪۱/۵۵	٪۰	٪۰

همان‌طور که در جدول (۶) دیده می‌شود، مقایسه توزیع فراوانی انواع تردیدنماها در آثار نویسندگان قبل و بعد از سال ۵۷ نشان می‌دهد که ۸۰٫۷ درصد شاهد‌ها در میان آثار بعد از سال ۵۷ دیده شده‌اند و همانند آنچه در خصوص تأثیر عامل جنسیت شاهد آن بودیم، اکثریت این تردیدنماها از دسته «افعال وجهی» هستند. لازم به توضیح است انتخاب پیکره پژوهش از دو دوره زمانی مذکور صرفاً برای بالا بردن میزان اعتبار و توزیع گسترده‌تر داده‌ها در نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بوده است (چون جامعه آماری ما به لحاظ زمانی و ساختارهای اجتماعی همگن نبود و سعی بر این بود تا با استخراج نمونه‌ها و شواهد متنوع و کافی از دوره‌های زمانی مختلف، حتی‌الامکان نمونه آماری منتخب، کامل‌تر و جامع‌تر باشد و تا حد امکان تأثیر این عامل را به‌عنوان متغیر مداخله‌گر فرعی کنترل کنیم تا اعتبار شاهد‌های مستخرج و معناداری فراوانی مقوله تردیدنما در آثار این دوره‌ها یکسان و برابر باشد). بدیهی است که نگارندگان به‌خوبی به نقش متغیر زمان واقف هستند؛ ولی از آنجاکه این عامل، متغیر اصلی این پژوهش نیست و تأثیر آن بر میزان به‌کارگیری مقوله تردیدنماها، نیازمند انجام یک تحقیق مستقل است، بررسی

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۷۹
این متغیر به پژوهش‌های آتی موکول شده است^۱؛ چون با توجه به تغییر ساختارهای اجتماعی پس از انقلاب ۵۷ و تشکیل نهادهای ممیزی با استانداردهای متفاوت از دوره‌های پیشین، بررسی تأثیر متغیر زمان بر کاربرد مقوله تردیدنما در پژوهش‌های آتی می‌تواند در پرکردن خلاءهای پژوهشی این حوزه راهگشا باشد.

در پایان، به منظور تبیین یافته‌های حاصل و اینکه مثلاً چرا مردها از دسته افعال قضاوتی بیشتر استفاده می‌کنند، می‌توان علاوه بر انگیزه‌های شناختی و روانشناختی (میزان اعتماد به نفس، جایگاه و نقش اجتماعی زنان و مردان)، به انگیزه‌های کاربردشناختی از جمله «دیدگاه ادب»، «دیدگاه تسلط» و «تفاوت‌های نقشی» اشاره کرد. مطابق با «دیدگاه تسلط»، مردان غالباً متمایل بر بیان فردیت خود و رد کلام هستند و برای همین، این عامل را در کلام خود منعکس می‌کنند. به عنوان مثال، بیان من را در «به گمانم» یا «به گمان من» می‌آورند؛ درحالی‌که زن‌ها که شاید ویژگی تسلط برایشان کمتر مطرح است، از بیان فردیت و قطعیت در کلام خود نیز پرهیز می‌کنند تا گفتار آنها مؤدبانه‌تر به نظر برسد. همچنین، به باور هولمز (۲۰۱۳) زنان بیشتر از مردان از پرسش‌های ضمیمه‌ای که لیکاف (۱۹۷۵) از آن‌ها به عنوان تردیدنما یاد می‌کند، استفاده می‌کنند؛ اما نکته جالب این است که هر دو جنس اغلب برای نقش‌های متفاوتی از آنها بهره می‌گیرند؛ یعنی زنان بیشتر از مردان روی نقش ادب یا نقش احساس تأکید دارند و آنها را به عنوان ابزار نمایانگر ادب به کار می‌برند؛ درحالی‌که مردان از پرسش‌های ضمیمه‌ای غالباً برای نشان دادن تردید استفاده می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا چگونگی استفاده از «تردیدنماها» در ۱۲ رمان فارسی را با فرض آنکه «جنسیت» نویسندگان و شخصیت‌های متون داستانی بر کاربرد این مقوله

۱. نگارندگان بر این باورند که تأثیر متغیر زمان بر کاربرد مقوله تردیدنما در رمان‌های پیش و پس از انقلاب با توجه به تغییر ساختارهای اجتماعی ضروری است؛ ولی به دلیل محدودیت حجم مقاله، در پژوهش‌های آتی به این مقوله خواهیم پرداخت.

زبانی تأثیرگذار است، بررسی کنیم. برای استخراج داده‌ها از تلفیقی از دسته‌بندی‌های ارائه‌شده هایلند (۱۹۹۶) و وارنالا (۲۰۰۱) بهره بردیم.

در پاسخ به پرسش اول پژوهش، یافته‌ها نشان داد که در آثار نویسندگان زن و مرد به صورت مشترک در هر دو گروه، دسته «افعال وجهی» سهم بیشتری را نسبت به سایر انواع تردیدنماها به خود اختصاص داده است. همچنین، مشخص شد که عامل «جنسیت» بر کاربرد انواع تردیدنماها، تنها بر تردیدنماهای دسته «افعال قضاوتی» معنادار بود ($P=0.02 < 0.05$)؛ به بیان دقیق‌تر، مردان (۵۸٫۴٪) در مقایسه با زنان (۴۱٫۶٪) بیشتر از تردیدنماهای این دسته استفاده کرده‌اند.

در پاسخ به پرسش دوم، مقایسه فراوانی انواع تردیدنماهای به کاررفته در آثار نویسندگان نشان داد بیش از ۶۴٪ کل تردیدنماهای استفاده‌شده را نویسندگان زن و مابقی را هم‌تایان مرد آن‌ها به کار گرفته‌اند که از این میان، ۸۲٫۷٪ تردیدنماهای استفاده‌شده در آثار نویسندگان مرد و ۷۹٫۶٪ تردیدنماهای به کاررفته در آثار نویسندگان زن از جنس افعال وجهی بوده‌اند. افزون بر بررسی عامل جنسیت، مقایسه بسامد انواع تردیدنما در آثار متعلق به دوره قبل و بعد از سال ۵۷ نیز نشان داد که بیشتر این شاهد‌ها در آثار مربوط به دوره دوم یافت شده و باز هم از جنس افعال وجهی بوده‌اند و چون افعال وجهی جزء مقوله‌های دستوری یا عناصر دستوری‌شده زبان محسوب می‌شوند، انتظار می‌رود که بسامد بالاتری داشته باشند.

در پاسخ به پرسش سوم و تبیین تفاوت کیفیت و کمیت تردیدنماها، می‌توان علاوه بر انگیزه‌های شناختی و روانشناختی (میزان اعتماد به نفس، جایگاه و نقش اجتماعی زنان و مردان)، به انگیزه‌های کاربردشناختی زبان از جمله «دیدگاه ادب»، «دیدگاه تسلط» و «تفاوت‌های نقشی» اشاره کرد. به عبارت دقیق‌تر، اینکه چرا مردها نسبت به زنان از دسته افعال قضاوتی بیشتر استفاده می‌کنند را می‌توان بر اساس «دیدگاه تسلط»، اینگونه تبیین کرد که مردان غالباً متمایل بر بیان فردیت خود و رد کلام هستند و برای همین این عامل را در کلام خود بیشتر منعکس می‌کنند؛ به عنوان مثال، بیان من را در قالب «به گمانم» یا «به گمان من» می‌آورند؛ درحالی‌که زن‌ها که شاید ویژگی تسلط

بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — ۲۸۱
برایشان کمتر مطرح است، از بیان فردیت و قطعیت در کلام خود نیز پرهیز می‌کنند تا
گفتار آنها مؤدبانه‌تر به نظر برسد. همچنین، به باور هولمز (۲۰۱۳) زنان بیشتر از مردان از
پرسش‌های ضمیمه‌ای که لیکاف (۱۹۷۵) از آن‌ها به‌عنوان تردیدنما یاد می‌کند، استفاده
می‌کنند؛ اما نکته جالب این است که هر دو جنس، اغلب برای نقش‌های متفاوتی از آنها
بهره می‌گیرند؛ یعنی زنان بیشتر از مردان روی نقش ادب یا نقش احساس تأکید دارند و
آنها را به‌عنوان ابزار نمایانگر ادب به کار می‌برند؛ درحالی‌که مردان از پرسش‌های
ضمیمه‌ای غالباً برای نشان دادن تردید استفاده می‌کنند.

علاوه بر این، اگر به‌عنوان جمع‌بندی نهایی، نتایج پژوهش حاضر را با تحقیقات
پیشین که در خصوص تردیدنماها انجام شده‌اند مقایسه کنیم، مشخص می‌شود که اغلب
پژوهش‌های پیشین بر مقالات پژوهشی دانشگاهی صورت گرفته‌اند؛ به‌عنوان مثال نتایج
مقاله قلی‌فامیان و کارگر (۱۳۹۲) حاکی از آن است که فراوانی نگرش‌نماهای منفی و
یقین‌نماها در نقدهای مربوط به منتقدان مرد دو برابر متون مربوط به منتقدان زن است و
به این ترتیب رویکرد جنسیت‌گرا در خصوص زبان و کاربرد آن تقویت می‌گردد. از
طرفی، نتایج پژوهش نمازیان‌دوست و شفیع (۲۰۱۸) و بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) نیز
مؤید آن است که زنان بیشتر از مردان از تردیدنماها استفاده می‌کنند و بدین ترتیب،
یافته‌های آنها با دیدگاه لیکاف (۱۹۷۵) سازگار و همسو است؛ اما برخلاف پژوهش‌های
مذکور، نتایج مقاله امینه (۲۰۱۹) در تضاد با آراء لیکاف (۱۹۷۵) بوده و حاکی از آن
است که مردان نسبت به هم‌تایان زن، از تردیدنماها به میزان بیشتری استفاده می‌کنند.
همچنین، در این پژوهش، بافت عامل مهمی در تعیین نوع و بسامد تردیدنماهای
به‌کاررفته در گفتمان تلقی شده است.

یافته‌های پژوهش لیویستکا (۲۰۱۹) نیز ضمن تأکید بر عامل بافت، حاکی از آن است
که تردیدنماهای خواننده‌محور بالاترین فراوانی را دارند و وابسته به موضوع و بافت
هستند. پژوهش‌های سماعی و همکاران (۱۳۹۳)، قلی‌فامیان و کارگر (۱۳۹۳)، ونگ و
تاتیانا (۲۰۱۶)، لیویستکا (۲۰۱۹) و خالقی و ایمانی (۱۴۰۲) از این حیث که به بررسی

میزان فراوانی و طبقه‌بندی انواع تردیدنماها در متون پرداخته‌اند، شباهت زیادی به پژوهش حاضر دارند. با وجود این، جستار حاضر از این نظر که اولاً گونه نوشتاری عامیانه زبان فارسی (به‌طور خاص متون داستانی و عامیانه فارسی) را تحت تأثیر عامل جنسیت نویسندگان بررسی کرده و ثانیاً فراوانی انواع تردیدنما در گفتار شخصیت‌های داستانی زن و مرد را نیز آزموده است، متفاوت و بدیع است.

نکته پایانی اینکه بررسی نتایج پژوهش حاضر و مقایسه آن با مطالعات پیشین در این حوزه نشان می‌دهد که عامل جنسیت بر کاربرد انواع تردیدنماها مؤثر است؛ اما باید این نکته را در نظر داشت که میزان معناداری تأثیر عامل جنسیت بر کاربرد مقوله تردیدنما در اغلب موارد تحت تأثیر بافت مکالمه/ متون و نیز موضوع مورد بحث قرار دارد. از این رو، تعمیم این نتایج به دیگر متون و بافت‌های زبانی یا ژانرها و سبک‌های مختلف، نیازمند انجام پژوهش‌های جدیدی است تا بتوان ضمن پرکردن خلاءهای پژوهشی موجود، نتایج را با یکدیگر مقایسه کرد. علاوه بر این، لازم به اشاره است به دلیل محدودیت حجم مقاله، در جستار حاضر تنها بسامد و نحوه کاربرد تردیدنماهای نویسندگان و شخصیت‌های داستانی، بررسی شده است^۱ و مطالعه تأثیر عواملی نظیر «تعداد شخصیت‌های زن و مرد» در هر اثر و نیز تأثیر «بافت»، «متغیر زمان» و عوامل اجتماعی دیگر را به پژوهش‌های آتی موکول کرده‌ایم.

منابع

- تسلی‌بخش، فهیمه؛ چنگیزی، احسان (۱۳۹۹). «روند دستوری شدگی انگار/انگاری». دانشگاه تهران: پژوهش‌های زبانی. ۱۱(۲). ۷۲-۴۹.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ رحمتی افرابی، سپیده؛ اکبری، حسن و شکری، یدالله (۱۴۰۲). «بررسی واژگان زنانه و مردانه در جلوه‌های آنیما و آنیموس در آثار داستانی جلال آل‌احمد و سیمین دانشور». دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۴(۳۳). ۱۱۷-۱۴۴.

۱. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند به عواملی که احتمالاً قدرت‌های تعمیم‌یافته پژوهش را کاهش می‌دهند نیز اشاره کنند؛ به‌عنوان مثال، قطعاً تعداد شخصیت‌های زن و مرد در این دو گروه از آثار دقیقاً برابر نیست یا نقش بافت و عوامل اجتماعی دیگری را که همراه با شخصیت‌های خلق‌شده در هر رمان وجود دارند، نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

- ۲۸۳ — بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی... — خالقی، زهرا؛ ایمانی، آوا (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر جنسیت» و «سن» بر کاربرد «تردیدنماها» در گفتار فارسی‌زبانان». دانشگاه اصفهان: پژوهش‌های زبان‌شناسی. ۲۵-۴۶. (۲)۱۴.
- رنجبر، فاطمه؛ اکبری، حسن (۱۴۰۳). «بررسی تأثیر جنسیت بر سبک داستان‌نویسی رمان‌های پرنده‌من، از شیطان آموخت و سوزاند، سرخی تواز من و بی‌بی شهرزاد با اتکا بر نظریه سارا میلز». دانشگاه سمنان: مطالعات زبانی و بلاغی. ۱۵(۳۷). ۱۴۷-۱۸۲.
- قلی‌فامیان، علیرضا؛ کارگر، مریم (۱۳۹۲). «تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان‌ها بلند». دانشگاه اصفهان: پژوهش‌های زبان‌شناسی. ۵۲-۳۷. (۲)۵.
- کریمی‌سنگدهی، غزل؛ ستاری، رضا؛ حسنی، سیدقاسم (۱۴۰۰). «تحلیل بازنمایی فرهنگ جنسیتی در رمان‌های نویسندگان زن ایران طی سه دهه». دانشگاه تهران: زن در فرهنگ و هنر. ۱۳(۲). ۳۱۸-۲۹۱.
- محمودی‌بختیاری، بهروز؛ دهقانی، مریم (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان». دانشگاه تهران: زن در فرهنگ و هنر. ۵(۴). ۵۵۶-۵۴۳.

References

- Taseebakhsh, Fahimeh; Changizi, Ehsan (2019). "The Grammaticalization Process of Angar/Angari". University of Tehran: Linguistic Research. 11(2). 49-72.
- Gholifamian, Alireza; Kargar, Maryam (2013). "Analysis of Iranian Linguistic Book Criticism Articles Based on the Highland Metadiscourse Model". University of Isfahan: Linguistic Research. 5(2). 37-52.
- Hassanzadeh Mirali, Abdullah; Rahmati Afrapoli, Sepideh; Akbari, Hassan and Shokri, Yadollah (2013). "A Study of Feminine and Masculine Vocabularies in the Manifestations of Anima and Animus in the Fictional Works of Jalal Al-Ahmad and Simin Daneshvar". Semnan University: Linguistic and Rhetorical Studies. 14(33). 117-144.
- Khaleghi, Zahra; Imani, Ava (2013). "A Study of the Effect of "Gender" and "Age" on the Use of "Hesitation Marks" in Persian-Speaking Speech". University of Isfahan: Linguistic Research. 14(2). 25-46.
- Ranjbar, Fatemeh; Akbari, Hassan (2014). "A Study of the Effect of Gender on the Storytelling Style of the Novels My Bird Learned and Burned from Satan, Your Redness from Me, and Bibi Shahrzad Based on Sarah Mills' Theory". Semnan University: Linguistic and Rhetorical Studies. 15(37). 147-182.
- Karimi-Sangdehi, Ghazal; Sattari, Reza; Hassani, Seyyed Ghasem (2014). "Analysis of the Representation of Gender Culture in the Novels of Iranian Female Writers over Three Decades". University of Tehran: Women in Culture and Art. 13(2). 291-318.
- Mahmoudi-Bakhtiari, Behrouz; Dehghani, Maryam (2013). "The Relationship between Language and Gender in Contemporary Persian Novels: A Study of Six Novels". University of Tehran: Women in Culture and Art. 5(4). 543-556.
- Amine, W. F. A. (2019). "A Gender-Based study of Hedging in Selected TV interviews in Arabic: A New Approach to Hedging". CDELT

- Occasional Papers in the Development of English Education. 66(2). 623-647.
- Amouzadeh, M., & Zareifard, R. (2019). "Interactional metadiscourse of gender in Persian: The case of conference presentations". *Pragmatics and Society*. 10(4). 512-537.
- Brown G. (1977). *Listening to spoken english*. London: Longman.
- Brown, P., Levinson, S. C., & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage* (Vol. 4). Cambridge university press.
- Gholi Famian, A., & Kargar, M. (2014). "The Analysis of book review Articles in Iranian Linguistics Journals based on Hyland's Metadiscourse Model". *Journal of Researches in Linguistics*. 5(2). 37-52.
- Hasanzadeh Mirali, A., Rahmati Afrapoli, S., Akbari Beyragh, H., & Shokri, Y. (2023). "Reviewing Feminine and Masculine Words in the Effects of Anima and Animus in the Jalal Al Ahmad and Simin Daneshvar Fiction". *The Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 14(33). 117-144.
- Holmes, J. (1990). "Hedges and boosters in women's and men's speech". *Language & Communication*. 10(3). 185-205.
- Holmes, J. (2013). *An Introduction to Sociolinguistics*. Routledge.
- Hyland, K. (1996). "Talking to the academy: Forms of hedging in science research articles". *Written communication*. 13(2). 251-281.
- Hyland, K. (1998). *Hedging in Scientific Research Articles*. John Benjamins Publishing Company.
- Hyland, K. (2005). "Stance and engagement: A model of interaction in academic discourse". *Discourse studies*. 7(2). 173-192.
- Karimi Sangdehi, G., Sattari, R., & Hasani, S.G. (2021). "Analysis of the representation of gender culture in the novels of Iranian women writers over three decades". *Journal of Woman in Culture Arts*. 13 (2). 291-318.
- Khaleqi, Z., & Imani, A. (2022). "A Gender- and Age-based Study of "Hedges" in the Speech of Persian Speakers". *Journal of Researches in Linguistics*. 14(2). 25-46.
- Lakoff, G. (1973). "Hedges: A study in meaning criteria and the logic of fuzzy concepts". *Journal of Philosophical Logic*. 2. 458-508.
- Lakoff, R. T., & Lakoff, R. (1975). *Language and Woman's Place*. Harper & Row.
- Lakoff, R. T., & Bucholtz, M. (2004). *Language and Woman's Place: Text and Commentaries*. Oxford University Press.
- Livvytska, I. (2019). "The Use of Hedging in Research Articles on Applied Linguistics". *Journal of Language and Cultural Education*. 7(1). 35-53.
- Mahmoodi-Bakhtiari, B., & Dehghani, M. (2014). "The relationship of language and gender in the contemporary Persian novels: A study of six works". *Journal of Woman in Culture Arts*. 5(4). 543-556.

- ۲۸۵ — بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تردیدنماها در رمان‌های فارسی: رویکرد زبان‌شناسی ...
- Mur-Dueñas, P. (2021). "There may be differences: Analyzing the use of hedges in English and Spanish research articles". *Lingua*. 260(4). 103131.
- Namaziandost, E., & Shafiee, S. (2018). "Gender differences in the use of lexical hedges in academic spoken language among Iranian EFL learners: a comparative study". *International Journal of Research in English Education (IJREE)*. 3(4). 63-80.
- Noosh, R., Moeinzadeh, S. N., & Ghazanfari, N. (2022). "Investigating the translation of genderism from Persian to English: A case study of I'll turn off the lights". *Iranian Journal of Applied Language Studies*. 14(2). 193-202.
- Ranjbar, F., & Akbari Beyragh, H. (2024). "The effect of gender on the story-writing style of the novels *My Bird*, *From Satan Learnt and Burnt*, *Your Redness from Me*, and *Bibi Shahrazad* based on Sara Mills's Theory". *The Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 15(37).147-182.
- Samaie, M., Khosravian, F., & Boghayeri, M. (2014). "The Frequency and Types of Hedges in Research Article Introductions by Persian and English Native Authors". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 98, 1678-1685.
- Tasalli Bakhsh, F., & Changizi, E. (2021). "Grammaticalization process of engâr / engâri". *Language Research*.11(2). 49-72.
- Varttala, T. (1999). "Remarks on the Communicative Functions of Hedging in Popular Scientific and Specialist Research Articles on Medicine"., *English for Specific Purposes*. 18(2). 177-200.
- Varttala, T. (2001). *Hedging in Scientifically Oriented Discourse Exploring Variation According to Discipline and Intended Audience*. Doctoral Dissertation, University of Tampere.
- Wang, S.-P., & Tatiana, K. (2016). "Corpus research on hedges in linguistics and EFL journal papers". *International Journal of Education*. 9(1). 45-52.

